



مؤسسه تحقیقات استراتژیک
 پژوهشگاه مطالعات استراتژیک
 Quarterly.risstudies.org

Article history:
 Received 18 January 2025
 Revised 14 February 2025
 Accepted 12 March 2025
 Published online 15 May 2025

Strategic Studies Quarterly

Volume 28, Issue 1, pp 115-139



P-ISSN: 1735-0272
 E-ISSN: 2980-910X

Understanding the Relationship between Social and Security Issues from the Perspectives of Modern and Postmoder Paradigms: A Focus on the Ideas of Émile Durkheim and Jacques Derrida

Ali Alaei¹ , Nourollah Noorani²

1. Research Department, Amin Police Academy, Tehran, Iran.

2. Research Institute for Security and Development Studies, Tehran, Iran.

Corresponding author email address: a.alaei358@gmail.com

Article Info Extended Abstract

Article type:

Original Research

How to cite this article:

Alaei, A. and Noorani, N. (2025). Understanding the Relationship between Social and Security Issues from the Perspectives of Modern and Postmoder Paradigms: A Focus on the Ideas of Émile Durkheim and Jacques DerridaIran. Strategic Studies Quarterly, 28(1), 115-139.
 doi:

10.22034/ssq.2025.500724.424



© 2024 the authors. Published by Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) License.

Introduction

Understanding and addressing social and security issues today requires a deep and fundamental theoretical analysis based on dominant paradigms. This paper focuses on the ideas of Émile Durkheim and Jacques Derrida to compare how social and security issues are viewed from modern and postmodern paradigms. The main goal is to explore how social problems turn into security crises and to examine how these issues are understood, explained, and addressed within the frameworks of these two distinguished thinkers. This study also aims to offer a combined model that can be useful for current security policymaking.

Methodology

The study employs a qualitative method with a comparative and discourse analysis approach. Key concepts such as order, threat, cohesion, exclusion, and insecurity are explored through the works of Durkheim and Derrida. The analysis is structured around three steps-identifying, explaining, and addressing-to better understand the connection between social and security issues in both modern and postmodern paradigms. The main data comes from classic texts in sociology and political philosophy, analyzed conceptually.

Results

According to Durkheim, social problems become security crises when social institutions fail to perform their roles and social cohesion weakens. Therefore, security depends on institutional order and social solidarity. His solutions focus on gradually reforming economic structures and strengthening intermediate institutions. On the other hand, Derrida sees security as a fluid, language-based, and discursive construct that is constantly reshaped through interaction with the Other and opposing categories like safe/risky. He warns that excessive securitization can lead to excluding others, structural violence, and creating more insecurity. Derrida's method of deconstruction helps reveal contradictions within dominant discourses and exposes how exclusion and power operate in security processes. In short, Durkheim emphasizes objectivity and institution, while Derrida rethinks security in terms of meaning, difference, and accepting the other.

Conclusion

The findings suggest that combining Durkheim's and Derrida's perspectives provides a comprehensive framework for analyzing security and shaping policies. Durkheim focuses on the function of social institutions and economic reform, while Derrida highlights the need to rethink closed security discourses and be open to differences and otherness. Together, their views offer policymakers a flexible, justice-oriented strategy for dealing with social and security challenges. Finally, the study stresses the importance of avoiding unnecessary securitization, accepting ontological insecurity, and building resilient social institutions to ensure sustainable security.

Keywords: *Social Institutions; Anomie; Fluidity; Security; Insecurity; Securitization.*

Ethical Considerations

Compliance with Ethical Guidelines

This study was approved by the Ethics Committee of Research Institute of Strategic Studies (RISS), Tehran, Iran.

Authors' Contributions

All authors equally contributed to preparing this article.

Conflict of Interest

The authors declared no conflict of interest.

Funding Sources

This research received no external funding.



Quarterly.risstudies.org

تاریخچه مقاله

دریافت شده در تاریخ ۲۹ دی ۱۴۰۳
اصلاح شده در تاریخ ۲۶ بهمن ۱۴۰۳
پذیرفته شده در تاریخ ۲۲ اسفند ۱۴۰۳
منتشر شده در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

فصلنامه مطالعات راهبردی

دوره ۲۸، شماره ۱، بهار ۱۴۰۴، پیاپی ۱۰۷، صفحه ۱۱۵-۱۳۹



شاپای چاپی: ۱۷۳۵-۰۷۲۷
شاپای الکترونیکی: ۲۹۸۰-۹۱۰X

نسبت مسئله اجتماعی به امنیتی از منظر پارادایم مدرن و پست مدرن (با تأکید بر آرای امیل دورکیم و ژاک دریدا)

علی اعلایی^(*) نورالله نورانی^(*)

۱. دانشگاه نیروی انتظامی، تهران، ایران.
۲. پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت، تهران، ایران.

ایمیل نویسنده مسئول: a.alaei358@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله پژوهشی اصلی نحوه استناد به این مقاله: اعلایی، علی و نورانی، نورالله (۱۴۰۴). نسبت مسئله اجتماعی به امنیتی از منظر پارادایم مدرن و پست مدرن (با تأکید بر آرای امیل دورکیم و ژاک دریدا). فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۸(۱)، ۱۱۵-۱۳۹.</p> <p>doi: 10.22034/ssq.2025.500724.4 24</p> <p></p> <p>© ۱۴۰۳ حق نشر (کپی رایست) این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY 4.0) صورت گرفته است.</p>	<p>این پژوهش به بررسی نسبت میان مسائل اجتماعی و امنیتی از منظر دو پارادایم مدرن و پست مدرن پرداخته و دیدگاه‌های امیل دورکیم و ژاک دریدا را به عنوان نمایندگان این دو رهیافت تحلیل می‌کند. هدف پژوهش، تبیین تأثیر این دو دیدگاه در شناخت، تفسیر و مدیریت مسائل اجتماعی و امنیتی و ارائه راهکاری برای بهره‌گیری از تقابل این نظریات در سیاست‌گذاری است. این مطالعه با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی، آرای دورکیم و دریدا را مقایسه کرده و مدلی نظری برای تبیین نسبت مسائل اجتماعی و امنیتی ارائه می‌دهد. در چارچوب مدرن، مسائل اجتماعی پدیده‌هایی عینی‌اند که در صورت ناکارآمدی نهادهای اجتماعی، به تهدیدات امنیتی تبدیل می‌شوند. دورکیم بر اصلاح تدریجی نهادها و کنترل ناپهنجاری‌ها تأکید دارد. در مقابل، رویکرد پست مدرن دریدا، امنیت را مفهومی سیال و برساخته‌ی گفتگمانی می‌داند که امنیتی‌سازی بیش‌ازحد، خود عاملی در بازتولید ناامنی است.</p> <p>نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ترکیب تحلیل کارکردی دورکیم با واسازی دریدا، چارچوبی جامع برای مدیریت مسائل اجتماعی و امنیتی فراهم می‌کند. اصلاح نهادهای اجتماعی از یک‌سو، و پرهیز از امنیتی‌سازی غیرضروری از سوی دیگر، می‌تواند به سیاست‌گذاری‌های کارآمدتر منجر شود. این پژوهش بر ضرورت رویکردی ترکیبی تأکید دارد که همزمان اصلاح نهادی و بازاندیشی در گفتگمان‌های امنیتی را دنبال کند.</p> <p>واژگان کلیدی: نهادهای اجتماعی، نانجاری، سیالیت، امنیت، ناامنی، امنیتی‌سازی.</p>

مقدمه

فرایند سیاست‌گذاری از مرحله شناسایی و تبیین مسئله آغاز می‌شود، جایی که تعریف و چارچوب‌بندی دقیق، به‌مثابه قطب‌نمایی جهت‌بخش عمل می‌کند. هرگونه کاستی در این مرحله می‌تواند به تدوین سیاست‌های ناکارآمد و حتی تشدید مسائل اجتماعی و امنیتی بینجامد. از این منظر، تحلیل نسبت میان این دو حوزه نه تنها ضروری، بلکه اجتناب‌ناپذیر است. از طرفی شناسایی و تبیین دقیق مسئله، مستلزم درکی عمیق و چندبعدی از عوامل مؤثر آن مسائل است. این امر ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاران، از ابزارهای تحلیلی و نظری متناسب با ماهیت مسائل استفاده کنند تا بتوانند راهکارهای جامع و کارآمدی ارائه دهند. مطالعات در حوزه مسائل اجتماعی و امنیتی نشان می‌دهد که این عرصه با مجموعه‌ای متنوع از رویکردها و نظریه‌ها مواجه است که هرکدام از زاویه‌ای متفاوت به تحلیل و تفسیر مسائل می‌پردازند. برخی از این رویکردها به صورت کلان به بررسی ساختارهای اجتماعی و تأثیر آن‌ها بر امنیت می‌پردازند و برخی دیگر بر عوامل خرد مانند رفتارهای فردی و نقش آن‌ها در ایجاد یا کاهش تنش‌های امنیتی تمرکز دارند و برخی دیگر مانند نظریه‌های سیستم‌های پیچیده^۱ بر اهمیت نسبت متقابل بین اجزای سیستم اجتماعی تأکید دارند و معتقدند عدم توجه به نسبت اجزای سیستم اجتماعی به سیاست‌گذاری‌های سطحی و موقتی منجر شود. پیش‌فرض‌های نظری براساس این ایده است که سیستم‌ها همواره در حال تغییر و تحول هستند و هر تغییر در یک بخش از سیستم می‌تواند تأثیرات زیادی در سایر بخش‌ها داشته باشد. این تغییرات نه تنها به‌طور خطی پیش نمی‌روند، بلکه ممکن است نتایج غیرمنتظره و به‌ظاهر بی‌ربط به دنبال داشته باشند. بنابراین، در سیاست‌گذاری اجتماعی و امنیتی باید به ارتباطات و تعاملات میان اجزای مختلف توجه شود و از تحلیل‌های سطحی که تنها بر اساس یک فاکتور خاص صورت می‌گیرند، اجتناب شود.

مسائل اجتماعی طیف گسترده‌ای از چالش‌ها و معضلاتی را در برمی‌گیرد که زندگی فردی و جمعی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این چالش‌ها شامل موضوعاتی مانند فقر، نابرابری، بی‌عدالتی اجتماعی، بیکاری، تبعیض و بحران‌های هویتی است. در مقابل، مسائل امنیتی بیشتر معطوف به تهدیداتی است که امنیت، ثبات و بقای افراد و جوامع را هدف قرار می‌دهد؛ تهدیداتی مانند تروریسم، جرایم سازمان‌یافته، حملات سایبری، منازعات مسلحانه و ناامنی‌های داخلی.

در نگاه نخست، ممکن است این دو حوزه به‌عنوان عرصه‌هایی مستقل و مجزا به نظر برسند، اما واقعیت آن است که مسائل اجتماعی و امنیتی به‌شدت در هم تنیده‌اند و روابط پیچیده و دوسویه‌ای میان آن‌ها برقرار است. باوجود مطالعات و توجهاتی که به‌صورت مستقل به مسائل اجتماعی و امنیتی صورت گرفته و علی‌رغم وجود مقالات، سخنرانی‌ها و آثار متعدد در این زمینه، به نظر می‌رسد یکی از موضوعات مهم و کمتر مورد توجه، «نسبت مسائل اجتماعی با مسائل امنیتی» است. این نسبت به ارتباط و تأثیر متقابل بین این دو حوزه اشاره دارد و نشان می‌دهد که چگونه مسائل اجتماعی می‌توانند بر وضعیت امنیت عمومی تأثیر بگذارند و بالعکس، شرایط و سیاست‌های امنیتی نیز قادرند مسائل اجتماعی را تشدید یا تلطیف نمایند. برای مثال، فقر و نابرابری اجتماعی ممکن است احساس خشم و نارضایتی را در میان اقشار مختلف جامعه تشدید کند و به‌طور بالقوه به بروز خشونت، شورش‌های شهری و حتی تروریسم منجر شود. جنبش حلیقه‌زرها در فرانسه (۲۰۱۸-۲۰۱۹)، که اعتراضات اولیه ناشی از افزایش قیمت سوخت و مالیات بود و به دلیل نابرابری اقتصادی و نارضایتی گسترده‌تر، به خشونت و درگیری‌های خیابانی کشیده شد؛ این روند را تأیید می‌کند. به همین ترتیب، در ونزوئلا (۲۰۱۴)، اعتراضاتی که در ابتدا حول محور کمبود مواد غذایی، تورم و افزایش جرم و جنایت آغاز شده بود، به دلیل سرکوب شدید به بحران امنیتی و خشونت گسترده تبدیل شد و حتی مداخله نیروهای نظامی را به همراه داشت.

افزون بر این، تأکید بیش‌ازاندازه بر رویکردهای امنیتی برای تامین همه‌جانبه امنیت، می‌تواند پیامدهای منفی به دنبال داشته باشد و به تضعیف اعتماد عمومی به نهادهای دولتی و امنیتی منجر شود و در نهایت، انسجام و همبستگی اجتماعی را تضعیف نماید. کاهش اعتماد عمومی به نهادهای مسئول و افزایش احساس بیگانگی در میان شهروندان، خود زمینه‌ساز تشدید نارضایتی‌های اجتماعی و بازتولید بحران‌های امنیتی خواهد شد. به‌عنوان نمونه، در آرژانتین در دهه ۱۹۷۰، دولت در پاسخ به تهدیدات امنیتی واقعی و فرضی از سوی گروه‌های مسلح، به سرکوب شدید مخالفان سیاسی و گروه‌های اجتماعی مخالف پرداخت. این سرکوب‌ها نه‌تنها به افزایش خشونت و درگیری‌های مسلحانه منجر شد، بلکه گروه‌های مختلف اجتماعی را از مشارکت در روندهای اجتماعی و سیاسی محروم کرد. پس از گذشت چندین سال و تغییر سیاست‌های دولت، با پذیرش تفاوت‌ها و تشویق به گفت‌وگو، آرامش به جامعه بازگشت و امنیت در سطح ملی ارتقا یافت. این مثال‌ها همه نشان دهنده تأثیر اندیشه و رویکردها در حل مسائل است.

سیر اندیشه اجتماعی پس از رنسانس، شاهد ظهور دو منظومه فکری مجزا بوده که به‌طور کلی در قالب دو جریان «مدرن» و «پست‌مدرن» قابل تفکیک هستند. این دو پارادایم، تأثیرات عمیقی بر درک و تعریف مفاهیم مرتبط با امنیت و مسائل اجتماعی داشته‌اند و بر اساس چارچوب‌های معرفت‌شناختی خاص خود، نظریه‌پردازانی را به خدمت گرفته‌اند که هر یک با رویکردی متفاوت به تحلیل و تفسیر رابطه مسائل اجتماعی و امنیتی پرداخته‌اند. نسبت مسائل اجتماعی به مسائل امنیتی را می‌توان از دریچه این دو دیدگاه بررسی کرد و ماهیت در حال تحول این مفاهیم را برجسته ساخت. در سنت مدرن، رابطه مسائل اجتماعی و امنیتی عمدتاً با رویکردی دولت‌محور، مبتنی بر حفظ حاکمیت ملی و تأکید بر قدرت نظامی و سازوکارهای رسمی حفاظت از منافع ملی تبیین می‌شود. در مقابل، پارادایم پست‌مدرن به تعاملی پیچیده‌تر میان پویایی‌های اجتماعی و امنیت اشاره دارد که وابسته به زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی مورد تحلیل است.

بررسی و واکاوی این تمایزها با تکیه بر اندیشه‌های متفکران برجسته‌ای همچون امیل دورکیم از سنت مدرن و ژاک دریدا از سنت پست‌مدرن، می‌تواند مسیر پژوهش‌های آتی در این حوزه را روشن سازد. هیچ پژوهشگری نمی‌تواند بدون تعیین موضع و وابستگی نظری خود به این دو جریان فکری، به پژوهشی منسجم و آگاهانه در حوزه مسائل اجتماعی و امنیتی دست یابد. بنابراین، در این مقاله تلاش خواهد شد تا با اتکا به آرای برجسته‌ترین متفکران مدرن و پست‌مدرن، ضمن تشریح و تبیین مختصات مفهومی مسائل اجتماعی و امنیتی، نسبت میان آن‌ها به‌گونه‌ای مستند و شفاف ارائه شود. این بررسی می‌تواند گامی به‌سوی دستیابی به یک نظریه یکپارچه و جامع در این حوزه به‌شمار آید.

الف) پیشینه و نوآوری پژوهش

ادبیات پژوهشی حوزه مسائل اجتماعی و امنیتی، طیف گسترده‌ای از مباحث نظری و کاربردی را در بر می‌گیرد. برخی مطالعات بر تبیین مفاهیم و نظریه‌های مدرن و پست‌مدرن تمرکز دارند، درحالی‌که برخی دیگر به بررسی مصداق‌های عملی می‌پردازند. در این راستا، منابع اصلی را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

۱) کتاب‌ها

«نظریه‌های امنیت ملی» (بیات، ۱۳۹۸) به بررسی مفهوم امنیت در چارچوب دولت‌محور و تأکید بر منافع ملی پرداخته و راهکارهایی برای مدیریت تهدیدات امنیتی ارائه

می‌دهد. «سیاست‌گذاری دفاع ملی» (ریاضی و دهقان، ۱۳۹۸) به نقش سیاست‌گذاری کلان در تأمین امنیت اجتماعی و رفع چالش‌های ساختاری پرداخته است. «مبانی معرفت‌شناسی امنیت و دفاع» (منصوری لاریجانی، ۱۳۹۷) به مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی امنیت توجه دارد و آن را در پیوند با مسائل اجتماعی تحلیل می‌کند. «استراتژی بزرگ» (لیتون، ۱۳۹۸) بر روابط بین استراتژی‌های کلان امنیتی و پایداری اجتماعی تمرکز دارد. «امنیت اجتماعی شده: نظریه‌ها، رویکردها و الگوی راهبردی» (صائبی، ۱۳۹۸) به تحلیل تأثیر مسائل اجتماعی بر امنیت ملی و نقش جامعه در ایجاد یا رفع تهدیدات امنیتی پرداخته است. «چالش‌های امنیتی جدید» (کرافت، ۱۳۹۸) به تهدیدات نوظهور امنیتی و ارتباط آن با پویایی‌های اجتماعی پرداخته است. «خصوصی‌سازی امنیت در پسایحران در نظام بین‌الملل» (کلاته عربی، ۱۳۹۷) به بررسی روند خصوصی‌سازی امنیت و پیامدهای ناشی از آن در نظام بین‌الملل می‌پردازد. «رویکردهای نظری هفت‌گانه در بررسی مسائل اجتماعی» (رابینگن، ۱۳۹۹) به ابعاد مختلف مسائل اجتماعی پرداخته‌اند.

۲) مقاله‌ها

«پست‌مدرنیته کردن امنیت» (بنکه، ۱۳۸۱) به بررسی پیچیدگی‌ها و پویایی‌های امنیت در چارچوب نظریات پست‌مدرن پرداخته است. «قدرت به مثابه امنیت، بازخوانی نظریه سیاسی مدرن» (شاکری، ۱۳۸۵) بر ارتباط میان قدرت و امنیت در نظریه‌های سیاسی مدرن تأکید دارد. «دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌الملل» (یزدان‌فام، ۱۳۸۶) تغییر و تحول در نظریه‌های امنیت بین‌الملل را تحلیل می‌کند. «بررسی مقایسه‌ای مفهوم امنیت در مکاتب متأخر امنیتی» (ابراهیمی، ۱۳۹۳) مقایسه‌ای میان مکاتب امنیتی مدرن و پست‌مدرن انجام داده است. «مکاتب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین» (قیصری، ۱۳۹۵) به مطالعه انتقادی مکاتب امنیتی پرداخته و به مقایسه و ارزیابی نقادانه مکاتب امنیتی در بستر پست‌مدرن تمرکز نموده است. «هم‌سنجی امنیت با عیار نئورئالیسم و پست‌مدرنیسم» (اقارب‌پرست و شجاعی، ۱۳۹۵) به تشریح تفاوت‌های دیدگاه‌های مدرن و پست‌مدرن در تحلیل مسائل امنیتی پرداخته است. «آداب‌ورسوم امنیتی‌شدن پدیده‌های اجتماعی» (عابدی، ۱۳۹۹) فرایند امنیتی‌شدن پدیده‌های اجتماعی در چارچوب رویکردهای پست‌مدرن را بررسی کرده و نقش گفتمان‌های امنیتی در شکل‌دهی به مسائل اجتماعی را تحلیل نموده است. «غیرامنیتی کردن مسائل اجتماعی؛ مطالعه موردی شهر تهران» (نوریان و رضانی، ۱۳۹۹) فرایند غیرامنیتی‌سازی مسائل اجتماعی را بررسی کرده و نمونه‌های عینی را تحلیل نموده و همچنین

راهکارهای رفع امنیتی سازی در مدیریت اجتماعی و شهری را بیان کرده است. «آسیب‌ها و چالش‌های امنیتی سازی مسائل داخلی؛ مطالعه موردی شبکه‌های اجتماعی مجازی» (زارع‌زاده، ۱۴۰۰) چالش‌های امنیتی سازی مسائل اجتماعی به‌ویژه در فضای مجازی را تحلیل کرده و ضمن نقد روند امنیتی سازی، راهکارهایی برای مدیریت آن ارائه کرده است. «ماهیت و مختصات مفهوم «مسئله اجتماعی» در دوره‌های مدرن و پست‌مدرن» (نورانی، زاهدی و ملکی، ۱۴۰۰) تفاوت‌های اساسی در درک مسئله اجتماعی در رویکردهای مدرن و پست‌مدرن را بررسی کرده و ویژگی‌های متمایز مسائل اجتماعی در هر دو پارادایم را برجسته نموده است. «واکاوی امنیتی کردن در شناسایی، تصمیم‌گیری، ارزیابی فرایند سیاست‌گذاری عمومی» (احدی، نوجوان و احمدی سفیدان، ۱۴۰۰) به روند امنیتی سازی در فرایندهای سیاست‌گذاری عمومی و اجتماعی اشاره کرده است.

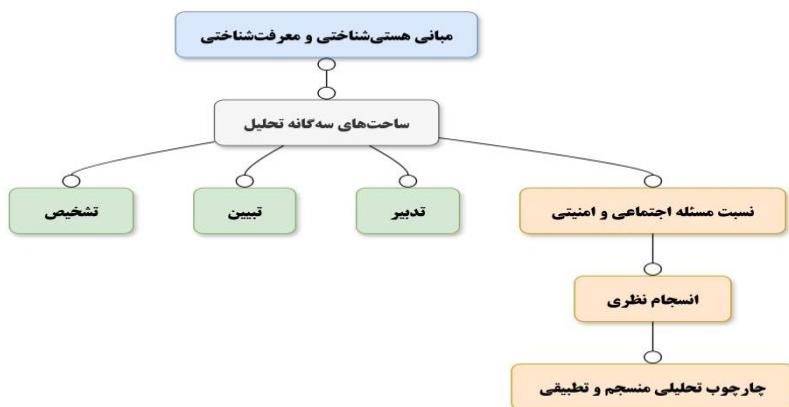
منابع یادشده نشان می‌دهند که آثار متعددی به تبیین نظریات مربوط به مسائل اجتماعی و امنیتی پرداخته‌اند. در این میان، نظریات مدرن عمدتاً با تأکید بر حاکمیت ملی و سیاست‌گذاری دفاعی به مسائل اجتماعی و امنیتی نگرسته‌اند (بیات، ۱۳۹۸؛ ریاضی و دهقان، ۱۳۹۸). در مقابل، نظریات پست‌مدرن به تعامل پیچیده‌تر میان پویایی‌های اجتماعی و مفاهیم امنیت پرداخته و بر نقش فرهنگ و تاریخ در این زمینه تأکید دارند (بنکه، ۱۳۸۱). باوجود این مطالعات، شکاف قابل توجهی در ارائه یک چارچوب تحلیلی یکپارچه برای بررسی تفاوت‌ها و تعاملات این دو رویکرد وجود دارد. مقاله حاضر تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از تحلیل‌های تطبیقی و اتکا بر منابع کلیدی، چارچوبی منسجم برای فهم ارتباط میان مسائل اجتماعی و امنیتی در پارادایم‌های مدرن و پست‌مدرن ارائه دهد.

ب) چارچوب مفهومی و نظری

درک صحیح و عمیق از رویکردهای نظری مستلزم توجه به بنیان‌های هستی‌شناختی آن‌هاست. به‌عبارت‌دیگر، فهم دقیق و موشکافانه از حوزه معرفت‌شناختی هر رویکرد، نیازمند درک پیش‌فرض‌های هستی‌شناختی آن است. مرور و تشریح دقیق این پیش‌فرض‌ها می‌تواند تصویری مستند از باورهای معرفت‌شناختی ارائه دهد و آن‌ها را بر پایه تعاریف روشن از هستی اجتماعی و امنیتی و مختصات مفهومی آن استوار سازد. در این راستا، چارچوب نظری این مقاله به بررسی مسئله اجتماعی و امنیتی و نسبت آن‌ها می‌پردازد و رویکردهای نظری مرتبط با آن را از منظر دو اندیشمند برجسته آن، مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌دهد. این بررسی در چهار

محور اصلی صورت می‌گیرد: تحلیل نظام‌مند رویکردهای مدرن و پست‌مدرن در ساحت تشخیص مسئله اجتماعی و امنیتی؛ تحلیل نظام‌مند رویکردهای مدرن و پست‌مدرن در ساحت تبیین مسئله اجتماعی و امنیتی؛ تحلیل نظام‌مند رویکردهای مدرن و پست‌مدرن در ساحت تدبیر مسئله اجتماعی و امنیتی؛ تحلیل نظام‌مند رویکردهای مدرن و پست‌مدرن در ساحت نسبت مسئله اجتماعی و امنیتی.

شناخت مسائل اجتماعی و امنیتی در این رویکردها، به سه گام اساسی متکی است: تشخیص: تعریف دقیق مسئله اجتماعی و امنیتی به گونه‌ای که وضعیت به‌عنوان یک مسئله قابل شناسایی باشد. تبیین: شناسایی دلایل و عوامل ایجاد مسئله، به‌منظور درک عمیق‌تر و علمی‌تر آن؛ و تدبیر: ارائه راهکارها و راه‌حل‌های مؤثر برای اصلاح یا کاهش مسئله. این روند در قالب یک مدل مفهومی ترسیم و ارائه می‌گردد.



(مدل تحلیلی پژوهش، محقق ساخته)

ج) روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با رویکرد توصیفی، استراتژی کیفی و تکنیک تحلیل تطبیقی انجام شده است. انتخاب این روش به دلیل توانایی آن در ارائه تحلیلی عمیق از مفاهیم اجتماعی و امنیتی صورت گرفته است. تحلیل تطبیقی امکان شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های بنیادین میان نظریات دورکیم و دریدا و همچنین بررسی علل و عوامل اختلاف در نحوه تفکر آنها را فراهم

کرده و به تبیین دقیق‌تر تأثیر این مفاهیم بر مسائل اجتماعی و امنیتی کمک می‌کند. این روش با ترکیب رویکردهای کارکردگرایانه و واسازی، چارچوبی پویا برای تحلیل چندلایه مسائل اجتماعی و امنیتی و نسبت میان آنها ارائه می‌دهد.

برای تحلیل دیدگاه‌های دورکیم، برای این منظور، از منابع اصلی دورکیم شامل: قواعد روش جامعه‌شناسی^۱ (۱۳۷۳)، صور ابتدایی حیات دینی^۲ (۱۹۱۲/۱۳۸۳)، تربیت و جامعه‌شناسی^۳ (۱۳۷۶)، درباره تقسیم کار اجتماعی^۴ (۱۸۹۳/۱۳۸۱) و خودکشی^۵ (۱۸۹۷) بهره گرفته شده است. این منابع به دلیل ارائه چارچوب‌های نظری بنیادین در تحلیل کارکرد نهادهای اجتماعی، انتخاب شده‌اند.

در مقابل، برای واکاوی نظریات ژاک دریدا، از آثاری چون دیکانستراکشن و پراگماتیسم^۶ (۱۳۸۵) و نوشتار و تفاوت^۷ (۱۹۶۷b/۱۳۹۷) استفاده شده است. این آثار با ارائه مفاهیمی چون واسازی و تحلیل قدرت، به بازنگری در ساختارهای زبانی و مفاهیم تثبیت‌شده اجتماعی و امنیتی پرداخته‌اند. واسازی به‌عنوان یک رویکرد فلسفی، نحوه ساخت و تثبیت مفاهیم امنیتی را در بسترهای گفتمانی تاریخی بررسی کرده و تأثیر پنهان قدرت و زبان را در بازتولید نامنی‌ها آشکار می‌کند. علاوه بر این، منابع اصلی انگلیسی شامل: «دستور زبان»^۸ (۱۹۶۷a)، «انتشار»^۹ (۱۹۸۱)، «سیاست دوستی»^{۱۰} (۱۹۹۷) نیز به‌عنوان پایه‌های اصلی اندیشه واسازی و نقد مفاهیم قدرت و زبان مورد توجه قرار گرفته‌اند. این منابع به‌طور خاص، نحوه بازتولید مفاهیم اجتماعی و امنیتی در بستر گفتمان‌های زبانی و تاریخی را مورد بررسی قرار داده‌اند. همچنین منابعی نظیر «حاشیه‌های فلسفه»^{۱۱} (۱۹۸۲) و «اشباح مارکس»^{۱۲} (۱۹۹۴) برای نقد واسازی، توانسته است چارچوبی جامع و پویا برای تحلیل مسائل اجتماعی و امنیتی در دو پارادایم مدرن و پست‌مدرن ارائه دهد. علاوه بر این، از برخی منابع و مطالعات پیشینه که به بررسی و تحلیل آرا این دو اندیشمند پرداخته‌اند، از جمله مقاله «ماهیت و مختصات مفهوم

1. The Rules of Sociological Method
2. The Elementary Forms of the Religious Life
3. Education and sociology
4. The Division of Labour in Society
5. Suicide
6. Deconstruction and Pragmatism
7. Writing and Difference
8. Grammatology
9. Dissemination
10. Politics of friendship
11. Margins of Philosophy
12. Specters of Marx

مسئله اجتماعی در دوره‌های مدرن و پست‌مدرن» (نورانی، زاهدی و ملکی، ۱۴۰۰) و «مکاتب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین» (قیصری، ۱۳۹۳)؛ به‌عنوان پشتیبان نظری در تحلیل رابطه بین مفاهیم اجتماعی و امنیتی در چارچوب اندیشه‌های دورکیم و دریدا مورد توجه قرار گرفته‌اند.

د) یافته‌ها

۱. مسئله اجتماعی و امنیتی از منظر امیل دورکیم

امیل دورکیم، یکی از بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی، بر این باور بود که پدیده‌های اجتماعی واقعیت‌هایی مستقل و عینی هستند که بدون وابستگی به اراده فردی وجود دارند. از این منظر، مسائل اجتماعی نیز موجودیت‌هایی مستقل‌اند که با تغییر اراده افراد دگرگون نمی‌شوند، بلکه پس از شکل‌گیری، بر زندگی جمعی تأثیرگذار خواهند بود (دورکیم، ۱۳۷۳؛ ۱۳۸۱). مسئله اجتماعی زمانی پدیدار می‌شود که یک پدیده از شرایط عادی خود خارج شده و به وضعیتی نابهنجار تبدیل گردد، به‌طوری‌که دیگر قادر به حفظ نظم و انسجام اجتماعی نباشد (دورکیم، ۱۳۸۳).

دورکیم تأکید دارد که تشخیص مسئله اجتماعی نیازمند درک شرایط زمینه‌ای جامعه است، از جمله نوع اجتماع و دوره زمانی آن (دورکیم، ۱۳۸۳). همچنین، تحلیل‌های کارکردی و تاریخی برای شناسایی مسائل اجتماعی ضروری‌اند؛ تحلیل کارکردی به نقش پدیده‌ها در حفظ انسجام اجتماعی می‌پردازد و تحلیل تاریخی، آنها را در بستر تحولات زمانی بررسی می‌کند (دورکیم، ۱۳۷۳؛ ۱۸۹۷).

از منظر دورکیم، برخی مسائل اجتماعی ممکن است در صورت عدم مدیریت صحیح به مسائل امنیتی تبدیل شوند. اگرچه دورکیم مستقیماً به مفهوم امنیت نپرداخته است، اما از نظریه‌های او در باب نظم اجتماعی، آنومی و نقش نهادهای اجتماعی در حفظ انسجام، می‌توان دلالت‌هایی برای تحلیل امنیت اجتماعی استخراج کرد. دورکیم امنیت را مفهومی مرتبط با نظم اجتماعی می‌داند و معتقد است که نبود قواعد مشخص، منجر به آنومی و بی‌ثباتی خواهد شد (دورکیم، ۱۳۸۱). در واقع، بحران‌های اجتماعی هنگامی به تهدیدهای امنیتی تبدیل می‌شوند که نهادهای اجتماعی کارکرد خود را از دست بدهند (دورکیم، ۱۳۸۱). در چنین شرایطی، انسجام اجتماعی دچار تزلزل شده و جامعه به سوی بی‌نظمی و ناامنی سوق می‌یابد. به‌ویژه در

جوامع مدرن که تقسیم‌کار پیچیده‌تر شده، کاهش انسجام اجتماعی و تضعیف ارزش‌های مشترک، زمینه‌ساز مسائل امنیتی خواهد شد (دورکیم، ۱۸۹۳).

برای حل مسائل اجتماعی و امنیتی، دورکیم دو استراتژی را مطرح می‌کند: نخست، اصلاح و سازمان‌دهی مجدد نهادهای اجتماعی که می‌تواند از تبدیل مسائل اجتماعی به بحران‌های امنیتی جلوگیری کند (دورکیم، ۱۳۸۱). دوم، بازسازی سامان اقتصادی، که برای کاهش شکاف‌های اجتماعی و پیشگیری از ناآرامی‌های گسترده ضروری است (دورکیم، ۱۳۸۳). همچنین، وی بر نقش گروه‌های صنفی و حرفه‌ای در مدیریت این مسائل تأکید دارد، چراکه این نهادها می‌توانند واسطه‌ای میان فرد و دولت باشند و از تضادهای اجتماعی بکاهند (دورکیم، ۱۳۷۶؛ آرون، ۱۳۷۰).

افزون بر این، دورکیم تأکید می‌کند که جامعه‌ای که از نظر ارزشی دچار شکاف شده است، بیش از سایر جوامع در معرض بحران‌های اجتماعی و امنیتی قرار خواهد گرفت. در چنین جوامعی، نبود یکپارچگی در هنجارها و قواعد اجتماعی باعث ایجاد نارضایتی‌های گسترده می‌شود که در نهایت، می‌تواند به شورش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی منجر شود (دورکیم، ۱۹۱۲). بنابراین، راهکارهای پیشنهادی او شامل حذف تهدیدات جدی، اصلاح ساختارهای اقتصادی و تقویت نهادهای تنظیم‌گر است تا انسجام اجتماعی و امنیت عمومی حفظ شود (دورکیم، ۱۳۸۱).

دورکیم همچنین بر این باور است که در جوامعی که نرخ انومی بالاست، میزان ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر جرم و خودکشی افزایش می‌یابد. او در تحقیقات خود نشان داد که افزایش نرخ خودکشی در شرایطی که جامعه دچار بحران‌های ساختاری می‌شود، بیشتر مشاهده می‌شود (دورکیم، ۱۸۹۷). از این رو، یکی از مهم‌ترین راهکارها برای کاهش بحران‌های امنیتی، تقویت پیوندهای اجتماعی و ارزش‌های مشترک میان افراد جامعه است. در این راستا، آموزش و پرورش به‌عنوان یکی از نهادهای کلیدی، نقشی اساسی در تداوم نظم اجتماعی و جلوگیری از بحران‌های امنیتی ایفا می‌کند (دورکیم، ۱۹۱۲). از سوی دیگر، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و اجتماعی باید به‌گونه‌ای باشد که عدالت اجتماعی را افزایش داده و از ایجاد شکاف‌های شدید طبقاتی جلوگیری کند، چرا که این شکاف‌ها زمینه‌ساز بسیاری از تنش‌های اجتماعی و در نهایت، بحران‌های امنیتی خواهند بود (دورکیم، ۱۳۸۳).

در جدول زیر دیدگاه دورکیم در حوزه تشخیص، تبیین و تدبیر مسائل اجتماعی و امنیتی جمع‌بندی شده است.

جدول ۱. جمع‌بندی دیدگاه دورکیم در خصوص مسائل اجتماعی و امنیتی

دورکیم	مسئله اجتماعی	مسئله امنیتی
ماهیت مسئله	هر واقعیت اجتماعی که در سطح عموم جامعه فراگیر نبوده، در ثبات جامعه نیز سودمند تلقی نمی‌شود و در عین حال از شدت بی‌حد و حصری (غیرطبیعی) نیز برخوردار است.	هر مسئله اجتماعی مرضی شده یا نابهنجار؛ مسئله امنیتی است.
تشخیص	بررسی میزان عمومیت، کارکرد و نرخ وقوع پدیده‌های اجتماعی از طریق تحلیل کارکردی و تاریخی	شناسایی شرایط نابهنجار و تغییرات سریع اجتماعی از طریق تحلیل کارکردی و تاریخی نهادهای اجتماعی در مواجهه با مسئله اجتماعی
تبیین	شناسایی و کشف علل به‌وجود آمدن مسئله اجتماعی (تبیین علل عدم کارکرد و سودمند نبودن واقعیت اجتماعی)	شناسایی و کشف علل ناکارآمدی نهادهای اجتماعی در مواجهه با مسئله اجتماعی و تشدید تضادها
تدبیر	اصلاح تدریجی نهادهای اجتماعی و تنظیم روابط اجتماعی	

۲. مسئله اجتماعی و امنیتی در دیدگاه ژاک دریدا

ژاک دریدا، فیلسوف پست‌مدرن و بنیان‌گذار روش «واسازی»، مسائل اجتماعی و امنیتی را در چارچوب ساختارهای زبانی و متافیزیکی تحلیل می‌کند. او معتقد است که این مسائل تعاریف ثابتی ندارند و نمی‌توان آن‌ها را بدون در نظر گرفتن دوگانه‌های مفهومی و رویکردهای گفتمانی بررسی کرد. از نظر او، مفاهیمی مانند علم/جهل، حقیقت/استعاره، سوژه/ابژه و واقعیت/خیال در ساختارهای زبانی جای گرفته‌اند و دانش در تلاش است تا درون این دوگانه‌ها حقیقت را بیابد، اما این حقیقت همواره با مفروضات متافیزیکی همراه است (دریدا، ۱۳۹۶ الف). بنابراین، برای درک مسائل اجتماعی، باید این دوگانه‌ها را نقد کرده و از تحلیل‌های زبان‌شناختی انتقادی استفاده کنیم.

دریدا باور دارد که هیچ زبان یا نشانه‌ای از مفروضات متافیزیکی جدا نیست و تمامی زبان‌ها در ارتباط با تاریخ متافیزیک قرار دارند. این ارتباط به‌ویژه در ساختارهای دوگانه‌ای که منجر به طرد «دیگری» می‌شوند، آشکار می‌شود. او تأکید دارد که تشخیص یک مسئله اجتماعی به‌عنوان یک پدیده مستقل، امری وابسته به گفتمان‌های علمی است که این مسائل را در چارچوب تقابل‌های زبانی و متافیزیکی تبیین می‌کنند. این تقابل‌ها در سطح فرهنگ و اجتماع

نیز نقش دارند و همواره «دیگری» را از دایره حضور خارج کرده و به حاشیه می‌رانند (دریدا، ۱۳۹۶ب). از این رو، مسائل اجتماعی نه تنها تحت تأثیر زبان، بلکه وابسته به ساختارهای پیچیده و دوگانه‌ای هستند که زبان در آن عمل می‌کند.

دریدا بر این نکته تأکید دارد که زبان به‌طور ناخواسته با مفاهیم متافیزیکی درگیر است و در این چارچوب، قدرت و سرکوب درون ساختارهای اجتماعی بازتولید می‌شوند (دریدا، ۱۳۹۶الف: ۱۳۸). در این زمینه، او به نقد گفتمان‌هایی می‌پردازد که در پی تعریف مطلق برای مفاهیم اجتماعی هستند. از نگاه دریدا، درک مسائل اجتماعی تنها زمانی ممکن است که بتوانیم به نقد و تحلیل این ساختارها پرداخته و روابط پنهان میان زبان، قدرت و مفاهیم اجتماعی را بررسی کنیم. او برای نقد این ساختارها، مفهوم «واسازی» را مطرح می‌کند که روشی برای تحلیل ساختارهای زبانی و متافیزیکی است. هدف واسازی، افشای تناقضات درونی گفتمان‌ها و تقابل‌های زبانی است، اما این فرایند به معنای نفی کامل این ساختارها یا جایگزینی آن‌ها با دوگانه‌های جدید نیست، بلکه نشان دادن پیچیدگی و درهم‌تنیدگی آن‌هاست. از این رو، واسازی یک فرایند مداوم است که نباید متوقف شود (دریدا، ۱۳۹۶ب).

امنیت از منظر دریدا مفهومی ثابت و مطلق نیست، بلکه در فرایندهای گفتمانی همواره در حال تغییر و بازتعریف است. او در تحلیل مسائل امنیتی، از مفاهیمی مانند «واسازی»^۱ و «تمایز»^۲ استفاده می‌کند. واسازی نشان می‌دهد که امنیت همیشه در تعامل با تهدیدها قرار دارد و تقابل‌های دوگانه‌ای مانند «خود/دیگری» و «امن/ناامن» می‌توانند به بحران‌های هویتی و خشونت‌های ساختاری منجر شوند (علوی‌پور، ۱۳۹۶؛ سزل^۳، ۲۰۱۹؛ دیلون^۴، ۱۹۹۶). دریدا معتقد است که نظام‌های سیاسی برای حفظ کنترل، ناامنی را بازتولید می‌کنند (دریدا، ۲۰۰۵). در اثر «نیروی قانون: بنیان‌های عرفانی اقتدار»^۵، دریدا خشونت را به‌عنوان بنیان قدرت و نظام‌های قانونی معرفی می‌کند. او معتقد است که اقتدار قانونی همواره به خشونتی وابسته است که مشروعیت آن را تضعیف می‌کند (بلر^۶، ۲۰۰۷؛ بودو^۷، ۲۰۱۰). در کتاب «سرکش: دو مقاله در مورد عقل»^۸، او تناقض بین دموکراسی و حاکمیت را بررسی کرده و نشان می‌دهد که

1. Deconstruction
2. Différance
3. Sezal
4. Dillon
5. The Force of Law: The Mystical Foundations of Authority
6. Blair
7. Boudou
8. Rogue: Two Essays on Reason

حاکمیت، همزمان که به قانون نیاز دارد، از آن فراتر می‌رود (دریدا، ۱۹۹۷). مفهوم «تمایز» که دریدا مطرح می‌کند، بر پویایی و تغییرپذیری مفاهیم امنیتی تأکید دارد، به این معنا که امنیت، تهدید و محافظت هیچ‌گاه تعاریف مطلق ندارند و همواره در حال بازتعریف هستند (دریدا، ۱۹۸۲؛ دریدا، ۲۰۰۰).

دریدا امنیت را در تقابل با عدالت می‌بیند، چراکه تلاش برای ایجاد امنیت مطلق معمولاً به طرد دیگری منجر می‌شود (دریدا، ۲۰۰۴). او مفهوم «دموکراسی آینده»^۱ را پیشنهاد می‌دهد که در آن امنیت و آزادی باید هم‌زمان بازاندیشی شوند. در سیاست‌های مهاجرتی، این موضوع نمود می‌یابد؛ دولت‌ها با وضع قوانین امنیتی، حقوق مهاجران را محدود می‌کنند (دریدا، ۱۹۸۱). از نظر دریدا، گفتمان‌های امنیتی که بر کنترل و انسجام تأکید دارند، موجب خشونت ساختاری علیه اقلیت‌ها می‌شوند (دریدا، ۱۹۹۷). او به تأثیرات جهانی‌سازی نیز اشاره می‌کند که از یک سو بر کنترل می‌افزاید و از سوی دیگر ناامنی‌های جدیدی ایجاد می‌کند (دیلون، ۱۹۹۶).

دریدا امنیت را فراتر از حفاظت فیزیکی می‌داند و آن را وابسته به پذیرش پیچیدگی‌های اجتماعی معرفی می‌کند (دریدا، ۱۹۹۷). او باور دارد که گفتمان‌های سنتی امنیت، مبتنی بر تقابل‌های دوگانه‌ای مانند «امن/ناامن» هستند که قادر به درک پویایی‌های اجتماعی نیستند. از نظر او، امنیت باید به‌عنوان یک فرایند پویا در نظر گرفته شود که بر پذیرش تفاوت‌ها تأکید دارد (دریدا، ۱۹۹۴).

در این راستا، دریدا مفهوم «ناامنی هستی‌شناختی»^۲ را مطرح کرده و بیان می‌کند که پذیرش این ناامنی می‌تواند سیاست‌های امنیتی را انعطاف‌پذیرتر کند (دریدا، ۱۹۹۴). او بر این باور است که تدابیر امنیتی نباید تنها بر استحکام استوار باشند، بلکه باید آسیب‌پذیری و تغییر را نیز به رسمیت بشناسند. امنیت، مفهومی ساختگی است که تنها با عبور از تقابل‌های دوتایی و تمرکز بر عدالت، می‌تواند به راهکارهای مؤثرتری دست یابد (کاستلو،^۳ ۲۰۰۸).

در نهایت، دریدا بر این باور است که هیچ دولتی از خشونت قدرت معاف نیست و امنیت همواره نیازمند بازاندیشی و تحول است. از نظر او، امنیت نباید به یک هدف ثابت و بسته تقلیل یابد، بلکه باید به‌عنوان فرایندی پویا در نظر گرفته شود که همواره در حال تغییر و سازگاری با شرایط اجتماعی و فرهنگی است. این دیدگاه، امنیت را از یک مفهوم ایستا خارج کرده و آن را

1. The Future of Democracy
2. Ontological Insecurity
3. Castello

به فرایندی مداوم تبدیل می‌کند که پذیرای تغییرات و تفاوت‌هاست و در نتیجه، به سوی آینده‌ای پویاتر حرکت می‌کند (دریدا، ۲۰۰۵).

در جدول زیر دیدگاه دریدا در حوزه تشخیص، تبیین و تدبیر مسائل اجتماعی و امنیتی را جمع‌بندی شده است.

جدول ۲. جمع‌بندی دیدگاه دریدا در خصوص مسائل اجتماعی و امنیتی

مسئله امنیتی	مسئله اجتماعی	ژاک دریدا
مسئله امنیتی به‌عنوان برساخت‌های زبانی و گفتمانی قدرت که از طریق تهدیدهای مفروض، امنیت را بازتعریف می‌کنند.	مسئله اجتماعی به‌عنوان برساخت‌های فرهنگی و زبانی که موجب طرد و حاشیه‌نشینی «دیگری» از گفتمان‌های مسلط می‌شود.	ماهیت مسئله
بررسی تضادهای گفتمانی در سیاست‌های امنیتی و تحلیل تأثیر زبان در قالب تهدید و امنیت برای کنترل و نظارت.	شناسایی و تحلیل گروه‌ها و اقلیت‌هایی که از طریق گفتمان‌های فرهنگی به‌عنوان «دیگری» طرد می‌شوند.	تشخیص
تحلیل نحوه تثبیت قدرت از طریق گفتمان‌های امنیتی و تأثیر آن‌ها در ایجاد نابرابری‌ها و کنترل‌های اجتماعی.	افشای ساختارهای گفتمانی که موجب سرکوب «دیگری» و تقویت سلطه‌گرایی می‌شوند.	تبیین
پیشنهاد سیاست‌های امنیتی که بر عدالت، پذیرش تفاوت‌ها، و همزیستی تأکید دارند و امنیت را به‌عنوان آسیب‌پذیری می‌بینند.	تأکید بر ایجاد فضاهایی برای پذیرش «دیگری» و تقویت گشودگی فرهنگی و عدالت اجتماعی.	تدبیر

ه) نسبت مسائل اجتماعی و امنیتی در اندیشه امیل دورکیم و ژاک

دریدا

تحلیل تطبیقی دیدگاه‌های دورکیم و دریدا نشان می‌دهد که رابطه میان مسائل اجتماعی و امنیتی بسته به رویکرد نظری اتخاذشده، می‌تواند به‌عنوان یک فرایند عینی و کارکردی یا یک سازه گفتمانی و سیال در نظر گرفته شود. جدول زیر این نسبت را در ابعاد مختلف بررسی می‌کند:

جدول ۳. نسبت مسائل اجتماعی و امنیتی از منظر دورکیم و دریدا

محور	امیل دورکیم	ژاک دریدا	نسبت مسائل اجتماعی به امنیتی
ماهیت مسائل اجتماعی و امنیتی	مسائل اجتماعی و امنیتی به‌عنوان واقعیت‌های عینی ناشی از نابهنجاری‌ها و ناکارآمدی نهادهای اجتماعی تحلیل می‌شوند (دورکیم، ۱۳۸۱؛ ۱۸۹۷).	مسائل اجتماعی و امنیتی به‌عنوان سازه‌های گفتمانی و محصول تقابل‌های دوتایی (خود/دیگری، امن/ناامن) شناخته می‌شوند (دریدا، ۱۳۹۷؛ دیلون، ۱۹۹۶).	در رویکرد دورکیمی، مسائل اجتماعی می‌توانند در صورت فقدان کنترل، به تهدیدات امنیتی تبدیل شوند، درحالی‌که دریدا امنیت را یک سازه گفتمانی می‌داند که می‌تواند خود عامل نامنی باشد (دریدا، ۲۰۰۵؛ دورکیم، ۱۹۱۲).
تشخیص	شناسایی نابهنجاری‌های اجتماعی از طریق تحلیل کارکردی و تاریخی نهادها (دورکیم، ۱۳۸۱؛ ۱۹۱۲).	نقد گفتمان‌های امنیتی و اجتماعی و کشف تناقضات آن‌ها از طریق تحلیل ساختارهای زبانی (دریدا، ۱۳۸۱؛ ۲۰۰۴).	در دیدگاه دورکیم، مسائل اجتماعی در صورت مدیریت نادرست، به بی‌ثباتی اجتماعی و در نهایت، بحران‌های امنیتی منجر می‌شوند. در مقابل، دریدا بر این باور است که فرایند امنیتی‌سازی گفتمانی می‌تواند خود باعث طرد و خشونت ساختاری شود (دورکیم، ۱۸۹۷؛ دریدا، ۱۳۹۷).
تبیین	تبیین مسائل اجتماعی از طریق تحلیل کارکرد نهادها و نقشی که در نظم اجتماعی ایفا می‌کنند (دورکیم، ۱۳۸۱؛ ۱۸۹۷).	تحلیل مسائل اجتماعی و امنیتی از طریق واسازی ساختارهای قدرت و گفتمان‌ها که زمینه‌ساز بی‌عدالتی هستند (دریدا، ۱۳۸۲؛ ۲۰۰۰).	از منظر دورکیم، ضعف در نهادهای اجتماعی می‌تواند عامل بحران‌های امنیتی شود، در حالی که دریدا معتقد است که امنیتی‌سازی بیش‌ازحد، می‌تواند خود عاملی برای تشدید نامنی باشد (دورکیم، ۱۳۸۱؛ دریدا، ۱۳۹۷).
تدبیر	پیشنهاد اصلاحات تدریجی در نهادها و بازسازی اقتصادی برای کاهش نابرابری‌ها (دورکیم، ۱۸۹۳).	تأکید بر پذیرش تفاوت‌ها، آسیب‌پذیری و مهمان‌نوازی بی‌قید و شرط برای تقویت عدالت (دریدا، ۲۰۰۴؛ کاستلو، ۲۰۰۸).	دریدا به گشودگی و بازاندیشی در سیاست‌ها تأکید دارد، در حالی که دورکیم به اصلاحات ساختاری و تقویت نهادها توجه دارد. در دیدگاه دورکیم، تدبیر مسائل اجتماعی از طریق نهادهای اجتماعی و اقتصادی انجام می‌شود، درحالی‌که دریدا پیشنهاد می‌دهد که امنیت باید از طریق پذیرش تفاوت‌ها و اجتناب از امنیتی‌سازی افراطی بازاندیشی شود (دورکیم، ۱۳۸۲؛ دریدا، ۲۰۰۵).

این جدول نشان می‌دهد که در دیدگاه دورکیمی، امنیت یک برآیند کارکرد صحیح نهادهای اجتماعی است و هرگونه ناهنجاری یا مسئله اجتماعی در صورت کنترل نشدن، به

مسئله و تهدید امنیتی تبدیل خواهد شد. در مقابل، دیدگاه دریدایی امنیت را یک سازه گفتمانی سیال می‌داند که خود می‌تواند با طرد اجتماعی دیگران به ابزار قدرت برای بازتولید ناامنی تبدیل شود.

جدول ۴. فرایند تبدیل مسائل اجتماعی به مسائل امنیتی

فرایند تبدیل مسائل اجتماعی به مسائل امنیتی	مسیر دورکیمی (فرایند علی)	مسیر دریدایی (فرایند گفتمانی)
مرحله اول	مسیر دورکیمی (فرایند علی)	بازنمایی یک گروه اجتماعی به عنوان «تهدید» (مثلاً مهاجران)
مرحله دوم	بروز مشکل اجتماعی (فقر، نابرابری، بیکاری)	توجیه سیاست‌های سخت‌گیرانه امنیتی
مرحله سوم	ناکامی نهادهای اجتماعی در مدیریت مشکل	ایجاد احساس تبعیض و نابرابری اجتماعی در گروه‌های طردشده
مرحله چهارم	افزایش ناراضی‌های اجتماعی و تنش‌های داخلی	شکل‌گیری اعتراضات گسترده و رادیکالیسم

نکته کلیدی دیگری که در تحلیل تفاوت‌های اساسی میان دیدگاه‌های دورکیم و دریدا درباره مسائل اجتماعی و امنیتی کمتر به آن پرداخته شده، درک علل ریشه‌ای این تفاوت‌ها است که به سطوح هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و تاریخی مرتبط می‌شود. این اختلافات نه تنها تأثیرات قابل توجهی بر تحلیل‌های اجتماعی هر یک از آن‌ها داشته، بلکه به‌طور بنیادی بر شیوه درک و تعریف مفاهیمی چون امنیت و ناامنی نیز اثر گذاشته است. به عبارت دیگر، تفاوت‌های بنیادی در نگرش‌های این دو متفکر در سطح فلسفی و اجتماعی، تأثیر مستقیمی بر تبیین مفاهیم امنیت، تهدید و چگونگی درک نسبت آن‌ها در جوامع مختلف داشته است.

اولین تفاوت: نگاه هستی‌شناختی^۱؛ دورکیم در تحلیل خود از واقعیت‌های اجتماعی، این واقعیت‌ها را مستقل از افراد می‌داند. به عبارت دیگر، او واقعیت‌های اجتماعی را به‌عنوان موجوداتی بیرونی و مستقل از ذهن فردی تحلیل می‌کند که افراد در آن‌ها غوطه‌ور هستند. از نظر دورکیم، این واقعیت‌ها همانند قوانین طبیعی عمل می‌کنند و به‌طور ساختاری در جوامع وجود دارند. این دیدگاه از نظر هستی‌شناختی به معنای تأکید بر وجود یک «واقعیت اجتماعی» ثابت است که توسط ساختارهای بیرونی تحمیل می‌شود و افراد از آن متأثرند. در مقابل، دریدا درک خود از واقعیت‌های اجتماعی را به‌طور بنیادی متفاوت می‌بیند. او تأکید دارد که این مفاهیم و ساختارها درون زبان و گفتمان‌ها ساخته می‌شوند و بنابراین هیچ‌کدام ثابت و بی‌چون و چرا نیستند. دریدا با مفهوم «تمایز» به تحلیل زبان‌شناختی و معنای در حال تعویق مفاهیم می‌پردازد. بر اساس این دیدگاه، مفاهیم اجتماعی همچون امنیت، تهدید و نظم، هیچ‌گاه ثابت نیستند و همواره در حال بازتعریف و بازسازی‌اند.

دومین تفاوت: نگاه معرفت‌شناختی^۲؛ در سطح معرفت‌شناختی، دورکیم بر روش‌های علمی و تحلیل‌های تجربی تأکید دارد. او معتقد است که جامعه‌شناسی باید به‌طور علمی و بر اساس داده‌های تجربی و مشاهده‌شده به تحلیل پدیده‌های اجتماعی بپردازد. او روش‌های آماری و کارکردی را برای مطالعه نهادها و فرایندهای اجتماعی به کار می‌برد و با تحلیل نقش و عملکرد نهادها، به درک و توضیح آن‌ها می‌پردازد. در مقابل، دریدا به‌جای روش‌های علمی و تجربی، به نقد و واسازی گفتمان‌ها می‌پردازد. او به‌ویژه بر تحلیل ساختارهای زبانی و گفتمانی تأکید دارد و معتقد است که گفتمان‌های علمی و اجتماعی به‌طور مداوم در حال بازسازی و تغییر هستند. دریدا بر این باور است که هیچ حقیقتی قطعی یا نهایی وجود ندارد و تمامی مفاهیم و پدیده‌های اجتماعی باید از طریق نقد و تحلیل گفتمان‌ها بررسی شوند.

سومین تفاوت: زمینه‌های تاریخی و اجتماعی^۳؛ در نهایت، تفاوت‌های اساسی در زمینه‌های تاریخی و اجتماعی این دو متفکر نیز نقش مهمی در شکل‌گیری دیدگاه‌های آن‌ها ایفا می‌کند. دورکیم در دوره‌ای زندگی می‌کرد که بحران‌های اجتماعی و نهادهای جامعه‌شناسی به دنبال ثبات اجتماعی و انسجام اجتماعی بودند. در آن دوران، چالش‌های اصلی به حفظ نظم اجتماعی و ایجاد توافقات جمعی مربوط بود. این نگرش به‌طور واضح در آثار او، به‌ویژه در تحلیل‌های ساختارهای اجتماعی و کارکردهای نهادها، نمایان است. اما دریدا پس از

1. Ontological
2. Epistemological
3. Historical and Social Contexts

جنگ‌های جهانی و در بستر نقد مدرنیته و بحران‌های فلسفی، به تحلیل پویایی و ناامنی در گفتمان‌ها پرداخته است. او به‌ویژه بر تغییرات و دگرگونی‌های گفتمانی در دنیای مدرن تأکید دارد و مفاهیم چون امنیت و تهدید را نه به‌عنوان واقعیت‌های ثابت، بلکه به‌عنوان مقولاتی در حال تغییر و بازتعریف می‌بیند. دریدا بر این باور است که در دنیای مدرن، هیچ‌چیز به‌عنوان یک حقیقت ثابت و پایدار وجود ندارد و امنیت یک مفهوم سیال و متغیر است که همواره به واسطه گفتمان‌ها و ساختارهای زبانی بازتعریف می‌شود.

نتیجه‌گیری

تحلیل روابط میان مسائل اجتماعی و امنیتی از منظر دو نظریه‌پرداز برجسته، امیل دورکیم و ژاک دریدا، افق‌های جدیدی را در مطالعات امنیتی گشوده است. دورکیم، با تأکید بر عینیت و کارکردگرایی، مسائل اجتماعی و امنیتی را به‌عنوان محصول نابهنجاری‌ها و ناکارآمدی نهادهای اجتماعی می‌بیند و بر اصلاحات تدریجی نهادهای اجتماعی و تقویت انسجام اجتماعی برای پیشگیری از بحران‌های امنیتی تأکید دارد. او معتقد است که با بازسازی نهادهای اجتماعی و حذف عوامل نابهنجار، می‌توان مسائل امنیتی را به‌طور کامل از بین برد. این رویکرد، سیاست‌گذاری‌هایی مبتنی بر اصلاح نهادها و تقویت انسجام اجتماعی را پیشنهاد می‌دهد.

از سوی دیگر، ژاک دریدا با رویکردی انتقادی و ساختارشکنانه، مسائل اجتماعی و امنیتی را به‌عنوان سازه‌های گفتمانی می‌بیند که از طریق زبان و تقابل‌های دوتایی (مانند خود/دیگری و امن/ناامن) بازتولید می‌شوند. دریدا تأکید دارد که هیچ‌گاه امنیت کامل تحقق نمی‌یابد و گفتمان‌های امنیتی همواره تناقضاتی درونی دارند که امکان دستیابی به امنیت مطلق را به تعویق می‌اندازند. او از ما می‌خواهد تا گفتمان‌های مسلط را نقد کرده و امنیت را نه به‌عنوان یک مفهوم ثابت، بلکه به‌عنوان فرایندی پویا و همواره در حال بازتعریف درک کنیم.

این پژوهش نشان می‌دهد که نسبت میان مسائل اجتماعی و امنیتی را نمی‌توان صرفاً از منظر یک رویکرد منفرد تحلیل کرد، بلکه این نسبت دارای پیچیدگی‌های نظری و کارکردی است که در دو پارادایم مدرن و پست‌مدرن به‌شکل متفاوتی مفهوم‌سازی شده است. از دیدگاه دورکیم، مسائل اجتماعی زمانی به تهدیدات امنیتی تبدیل می‌شوند که نهادهای اجتماعی در انجام وظایف خود دچار اختلال شوند و نظم اجتماعی دچار بحران شود. در مقابل، دریدا مفهوم امنیت را نه به‌عنوان وضعیتی ثابت، بلکه به‌عنوان گفتمانی می‌داند که همواره در حال بازتعریف است و ممکن است خود عامل بازتولید ناامنی باشد. به این معنا که از منظر دورکیمی، باید بر

تقویت انسجام اجتماعی و کاهش عوامل ناهنجاری را تأکید کرد تا از تبدیل مسائل اجتماعی به مسئله امنیتی جلوگیری شود. از منظر دریدایی، باید از امنیتی‌سازی غیرضروری اجتناب کرد و سیاست‌هایی را دنبال کرد که پذیرش تفاوت‌ها و بازاندیشی در مفاهیم امنیتی را در اولویت قرار دهد تا تهدیدات امنیتی کم شود.

ترکیب این دو دیدگاه نه تنها به تفاوت‌های نظری نمی‌پردازد، بلکه افق جدیدی را در مطالعات امنیتی می‌گشاید. در حالی که دورکیم امنیت را در گرو اصلاح نهادهای اجتماعی می‌داند، دریدا به ما می‌آموزد که امنیت یک گفتمان سیال است که خود ممکن است منشأ ناامنی باشد. ادغام این دو دیدگاه می‌تواند به تدوین راهبردهای امنیتی کمک کند که هم از اصلاح تدریجی نهادها بهره می‌گیرند و هم از امنیتی‌سازی غیرضروری و سرکوب تفاوت‌ها پرهیز می‌کنند. به جای تقابل‌های دوتایی (امن/ ناامن، دوست/ دشمن)، این ترکیب رویکردهایی را پیش می‌آورد که به تعامل، پذیرش تفاوت‌ها و پویایی نهادهای اجتماعی توجه دارند.

این استراتژی‌ها باید به جای تمرکز صرف بر تدابیر امنیتی، به ریشه‌های اجتماعی مسائل پرداخته و با پذیرش گشودگی و تنوع، به سوی تحقق عدالت اجتماعی و امنیت پایدار حرکت کنند. نمونه‌ای از تأثیر این دو رویکرد در سیاست‌های امنیتی را می‌توان در تفاوت سیاست‌های اروپا و آمریکا در قبال مهاجران مشاهده کرد. در ایالات متحده، پس از حملات یازدهم سپتامبر، گفتمان امنیتی به شدت تقویت شد و سیاست‌هایی مانند محدودیت ورود مسلمانان (دولت ترامپ) بر مبنای تقابل‌های دوتایی امنیتی شکل گرفت که به بازتولید ناامنی منجر شد. در مقابل، اتحادیه اروپا سیاست‌هایی را اتخاذ کرد که هم پذیرش مهاجران را در نظر داشت و هم به دنبال پیشگیری از بحران‌های اجتماعی و امنیتی بود.

این تحقیق نشان می‌دهد که سیاست‌گذاری مبتنی بر ترکیب رویکردهای مدرن و پست‌مدرن می‌تواند امنیت و عدالت را نه تنها به عنوان اهداف متقابل، بلکه به عنوان عناصر مکمل در توسعه اجتماعی پایدار در نظر گیرد. بنابراین، طراحی استراتژی‌های چندلایه که در عین تقویت نهادهای اجتماعی به بازاندیشی در گفتمان‌های مسلط پرداخته و از امنیتی‌سازی غیرضروری پرهیز کند، ضروری است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی اصول و موازین اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

منابع

ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۳)، بررسی مقایسه‌ای مفهوم امنیت در مکاتب متأخر امنیتی، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۷(۶۶)، ۳۰-۷.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350727.1393.17.66.1.4>

احدی، پرویز، نوجوان، صمد و احمدی سفیدان، حسین (۱۴۰۰)، واکاوی تأثیر امنیتی کردن در شناسایی، تصمیم‌گیری و ارزیابی فرایند سیاست‌گذاری عمومی، *مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۲(۴۸)، ۲۴۷-۲۶۶.

<https://sanad.iau.ir/fa/Journal/DownloadFile/945160>

آرون، ریمون (۱۳۷۰)، *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات و مرکز آموزش انقلاب اسلامی.

اقارب‌پرست، محمدرضا و محمدمیلاد شجاعی (۱۳۹۵)، هم‌سنجی امنیت با عیار نئورئالیسم و پست‌مدرنیسم، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، ۸(۲۷)، ۱۳۷-۱۶۲.

<https://sanad.iau.ir/fa/Journal/DownloadFile/1009814>

بنکه، آندریاس (۱۳۸۱)، پست‌مدرنیزه کردن امنیت، *فصلنامه راهبرد*، ۱۰(۲۶)، ۲۱۶-۲۳۹.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.10283102.1381.10.4.7.2>

بیات، بهرام (۱۳۹۸)، *تبیین جامعه‌شناختی احساس امنیت در بین شهروندان تهرانی*، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، گروه علوم اجتماعی.

پارسانیا، حمید و نوراله نورانی (۱۳۹۸)، مسئله اجتماعی از منظر پارادایم مدرن و پست مدرن (با تأکید بر اندیشه‌های مارکس، دورکیم، وبر و دریدا)، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ۸(۳)، ۳۳-۶۸.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22517081.1398.8.3.2.2>

دریدا، ژاک (۱۳۸۵)، *دیکانستراکشن و پراگماتیسم*، ترجمه شیوا رویگریان، تهران: گام نو.
دریدا، ژاک (۱۳۹۶ الف)، *درباره گراماتولوژی (بخش اول)*، ترجمه مهدی پارسا، تهران: شونود.

دریدا، ژاک (۱۳۹۶ ب)، *مواضع*، ترجمه پیام یزدان‌جو، تهران: نشر مرکز.

دریدا، ژاک (۱۳۹۷)، *نوشتار و تفاوت*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی.

دورکیم، امیل (۱۳۷۳)، *قواعد روش جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دورکیم، امیل (۱۳۷۶)، *تربیت و جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دورکیم، امیل (۱۳۸۱)، *درباره تقسیم کار اجتماعی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

دورکیم، امیل (۱۳۸۳)، *صور بنیادی حیات دینی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز.

رابینگن، ارل و مارتین واینبرگ (۱۳۹۹)، *رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی*، مترجم: رحمت‌الله صدیق سروسستانی، تهران: دانشگاه تهران.

ریاضی، وحید و حسین دهقان (۱۳۹۸)، *سیاست‌گذاری دفاع ملی*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی تهران.

زارع‌زاده، رسول (۱۴۰۰)، *آسیب‌ها و چالش‌های امنیتی‌سازی مسائل داخلی؛ مطالعه موردی شبکه‌های اجتماعی مجازی*، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۴(۲)، ۷-۳۲.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350727.1400.24.92.1.5>

شاکری، سیدرضا (۱۳۸۵)، *قدرت به مثابه امنیت؛ بازخوانی نظریه سیاسی مدرن*، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۹(۳۴)، ۷۳۷-۷۳۷.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17350727.1385.9.34.2.5.۷۵۷>

صائبی، حسن (۱۳۹۸)، *امنیت اجتماعی شده: نظریه‌ها، رویکردها و الگوی راهبردی*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی تهران.

عابدی، یونس (۱۳۹۹)، *آداب و رسوم و امنیتی شدن پدیده‌های اجتماعی، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، ۸(۳۲)، ۸۹-۱۱۶.

http://pogra.jrl.police.ir/article_95361_0d5362323aad13723b30aa7e0f2c2e19.pdf

علوی‌پور، سید محسن (۱۳۹۶)، *دوستی در اندیشه سیاسی و روان‌درمانی، دو مسئله نظری*، ۳(۵)، ۱-۱۰.

<https://political.ihss.ac.ir/fa/Article/11779/FullText.۱۰>

قیصری، نوراله (۱۳۹۵). مکاتب امنیتی؛ نقدهای موجود و ضرورت طرح نگرشی نوین، *فصلنامه آفاق امنیت*، ۷(۲۲)، ۲۷-۵۵. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25381857.1393.7.22.2.7.55-27.22>
کرافت، استیوارت، کریستوفر هابز، متیو کوران و دنیل سلیس‌بوری (۱۳۹۸)، *چالش‌های امنیتی جدید*، مترجمان: بهنام سرخیل، احسان موحدیان، ویراستاران، تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.

کلاته عربی، محمد (۱۳۹۷)، *آنارشی: خصوصی‌سازی امنیت در پس‌ساحران در نظام بین‌الملل*، تهران: پشتیبان.

لیتون، پیتر (۱۳۹۸)، *استراتژی بزرگ*، مترجمان: مصطفی ساه‌درودی، غلامرضا سلیمی، علی باقری، محمدرضا امانی، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

منصوری لاریجانی، اسماعیل (۱۳۹۷)، *مبانی معرفت‌شناسی امنیت و دفاع*، تهران: دانشگاه و پژوهشگاه عالی.

نورانی، نورالله، محمدجواد زاهدی و امیر ملکی (۱۴۰۰)، ماهیت و مختصات مفهوم «مسئله اجتماعی» در دوره‌های مدرن و پست‌مدرن (مورد مطالعه: آراء امیل دورکیم و ژان بودریار)، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۰(۳)، ۷۱۷-۷۴۰. <https://doi.org/10.22059/jisr.2021.315718.1162>
نوریان، احمد و محمدجواد رضانی (۱۳۹۹)، *غیر امنیتی کردن مسائل اجتماعی؛ مطالعه موردی شهر تهران*، امنیت ملی، ۱۰(۳۶)، ۴۴۱-۴۴۶.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.33292538.1399.10.36.13.4>
یزدان‌فام، محمود (۱۳۸۶)، *دگرگونی در نظریه‌ها و مفهوم امنیت بین‌المللی*، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۱۰(۳۸)، ۷۲۵-۷۵۰. https://quarterly.risstudies.org/article_1052_a2ed7925005970df5fd648cf0e13d6e9.pdf

Blair, T. (2007). *Security and Violence in Global Context*. Cambridge University Press.

Boudou, B. (2010). *Justice and Security Reconsidered*. Routledge.

Costello, P. R. (2008). *Towards a phenomenology of (in) security*: Husserl, Blanchot, and Derrida, *Journal of Phenomenological Psychology*، 15(2) ، 322-331. DOI: 10.1007/s10746-008-0102-3.

Derrida, Jacques (1967b), *L'écriture et la différence*, Paris: Seuil.

Derrida, Jacques (1967a). *De la Grammatologie*. Paris: Editions de Minuit.

Derrida, Jacques (1981). *Dissemination*. University of Chicago Press.

Derrida, Jacques (1982). *Margins of Philosophy*. Chicago: University of Chicago Press.

Derrida, Jacques (1994). *Specters of Marx: The State of the Debt, the Work of Mourning and the New International*. New York: Routledge.

- Derrida, Jacques (1997). *Politics of Friendship*. London: Verso.
- Derrida, Jacques (2000). *Writing and Difference*. University of Chicago Press.
- Derrida, Jacques (2004). *Rogues: Two Essays on Reason*. Stanford University Press.
- Derrida, Jacques (2005). *Rogues: Two Essays on Reason*. (P.-A. Brault & M. Naas, Trans.). Stanford, CA: Stanford University Press.
- Dillon, M (1996). *Politics of Security: Towards a Political Philosophy of Continental Thought*. London: Routledge.
- Durkheim, É. (1893). *The Division of Labor in Society*. New York: Free Press.
- Durkheim, É. (1897). *Suicide: A Study in Sociology*. New York: Free Press.
- Durkheim, É. (1912). *The Elementary Forms of the Religious Life*. London: Allen & Unwin.
- Sezal, F. M. (2019). Critical security and its horizons. *International Studies Quarterly*, 63(1), 55–62. DOI: 10.1093/isq/sqy073.